

تنهادستگاه دولتی که کار مفید انجام می داد گفت وگو با پروفسور محمد حسن گنجی

امیر حاجی صادقی

از جمله موفق ترین سازمان های علمی در کشورمان سازمان هواشناسی است که ریاست فعلی آن دکتر نوریان چندین سال است معاون اول دبیرکل سازمان جهانی هواشناسی است. این سازمان که در عمر به تقریب پنجاه ساله ی خود فراز و نشیب های زیادی را طی کرده است بیش از همه مدیون زحمات و پشتکار کم نظیر پروفسور محمد حسن گنجی پدر جغرافیایی ایران است. او که نخستین دانش آموخته ی جغرافیا در ایران است بی درنگ پس از دریافت دکترای جغرافیا از دانشگاه کلارک و بازگشت به ایران، به ریاست هواشناسی نو بنیاد ایران برگزیده شد و در طول دوازده سال مدیریتش، هواشناسی را از یک واحد کوچک در فرودگاه مهرآباد به سازمانی مستقل و گسترده در سراسر ایران بدل کرد و ریاست هواشناسی آسیا و عضویت در کمیته ی اجرایی هواشناسی جهانی از جمله دستاوردهای او در این دوران است.

پروفسور گنجی در سال ۲۰۰۱ میلادی به عنوان دانشمند برگزیده ی هواشناسی جهانی انتخاب و تقدیر شد. به بهانه ی دهم اسفندماه سالروز تصویب قانون سازمان هواشناسی در مجلس و ۲۳ مارس روز جهانی هواشناسی با او گفت وگویی انجام داده ایم که از نظر تان می گذرد:

* نخستین جرقه های ارتباط شما با هواشناسی چگونه ایجاد شد؟

نخستین ارتباط من با هواشناسی به سال های پایانی جنگ جهانی دوم بر می گردد که من هنوز برای تحصیل تکمیلی (دوره ی دکترا) به آمریکا نرفته بودم. روزی زنده یاد دکتر سیاسی رییس وقت دانشکده ی ادبیات از من خواست در جلسه ای که در دفتر رییس تعلیمات عالی وزارت معارف تشکیل می شود شرکت کنم. در آن جلسه چند نفر از جمله رییس وقت هواپیمایی و پروفسور «اندا» هواشناس دانمارکی حضور داشتند و دستور جلسه، تعیین مواد درسی برای برگزاری کلاس تخصصی هواشناسی بود. رییس هواپیمایی گفت مدتی است به حکم ضرورت در



فرودگاه مهرآباد هواشناسی کوچکی راه‌اندازی شده است به‌وسیله‌ی افسران و درجه‌داران انگلیسی اداره می‌شود و چون انگلیسی‌ها دیر یا زود ایران را ترک خواهند کرد، در نظر است تعدادی جوان تحصیل‌کرده‌ی ایرانی در سطح لیسانس زیردست این افسران و با نظارت پروفیسوراندا آموزش ببینند. این جلسه چندین بار تکرار شد و حاصل آن‌ها تدوین برنامه‌ای از درس‌های جانبی مانند جغرافیا، فیزیک و ریاضی در حد نیاز برای یک دوره‌ی تخصصی هواشناسی بود.

سپس من و دو تن از همکاران در این طرح راه، به‌بازدید ایستگاه هواشناسی و اتاق پیش‌بینی دعوت کردند و من برای نخستین بار با یک ایستگاه هواشناسی روبه‌رو شدم. دو جوان کوشا یکی خانم آلمانی تبار با نام آراسته و دیگری حسام‌الدین طباطبایی از مسوولان ایرانی مهم این ایستگاه بودند که بعدها در دوران ریاست من بر هواشناسی، کمک‌های زیادی از ایشان می‌گرفتم.

* چه شد که ریاست تشکیلات هواشناسی و گسترش آن به شما سپرده شد؟

من در مهرماه ۱۳۳۳ (۱۹۵۴ میلادی) پس از پایان تحصیل و دریافت دکترا از دانشگاه کلارک به ایران بازگشتم. در غیاب من، پس از ماموریتی که در مورد آب هیرمند با نمایندگان افغانستان پشت سر گذاشتم. در تهران درباره‌ی راه‌اندازی سازمان هواشناسی صحبت‌هایی مطرح شد. به‌ویژه برای آبادان، چون هواپیماها برای سفر به‌هند و خاور دور در آبادان توقف می‌کردند. به‌این جهت یک دانشمند هواشناس هندی به‌نام دکتر پرامانیک از طرف سازمان جهانی ماموریت یافت به‌ایران بیاید و هواشناسی مجهزی در ایران تاسیس کند. او تمام محافل علمی ایران را جست‌وجو کرد. و صلاحیت این کار را در کسی ندیده بود. بنابراین به‌سازمان جهانی نامه نوشته بود که کارشناس مناسبی برای این منظور نیافته است و ایرانیان از او خواسته‌اند که هواشناسی را در ایران، خود تاسیس و اداره کند، ولی دبیر کل سازمان جهانی به‌او جواب داده بود که این کار خلاف مقررات سازمان است. از طرف دیگر من در بازگشت از آمریکا، ابتدا به‌ژنو رفتم و از تشکیلات تازه تاسیس سازمان جهانی هواشناسی بازدید کردم. استادام در آمریکا با دبیر کل چکسواکیایی تبار سازمان جهان دوستی نزدیکی داشت و مرا به‌او معرفی کرده بود. دبیر کل گفت: که آماده است مرا در ژنو استخدام کند ولی من پاسخ دادم که تعهد خدمت دارم و باید به‌ایران بازگردم. در ضمن نسخه‌ای از پایان‌نامه‌ی دکترایم را با موضوع «آب و هوای ایران» به‌سازمان تقدیم کردم و دبیر کل پس از دیدن پایان‌نامه، نامه‌ای به‌کارشناس هندی در تهران نوشت و به‌او خبر داد «شخصی به‌نام محمدحسن گنجی اکنون در تهران است» و به‌او توصیه کرده بود مرا پیدا کند. هنوز پای من به‌ایران نرسیده بود که کارشناس هندی حکم انتقال مرا از دانشگاه تهران به‌وزارت راه گرفته بود و روز بازگشتم در فرودگاه مهرآباد به‌دنبال آمد و همین که از هواپیما پیاده شدم مرا به‌وزارت راه برد و سرلشگر انصاری وزیر راه هم حکمی از کشوی میزش در آورد مبنی بر این که با تصویب هیات دولت و موافقت دانشگاه تهران به‌ریاست هواشناسی برگزیده شده‌ام.

* تاسیس سازمانی با این اهمیت در آن شرایط و امکانات بی‌تردید دشواری‌های زیادی در پی داشته است؟

فردای روزی که حکم گرفتم کارشناس هندی مرا به‌دفتر معاون وزیر راه و رییس هواپیمایی کشوری برد و به‌عنوان مدیر کل هواشناسی معرفی کرد. رییس هواپیمایی هم محبت کرد و ساختمانی سه‌طبقه در خیابان زمرد با بیست و پنج کارمند اجاره کرد. کارمندان اولیه‌ی هواشناسی از دستگاه‌های مختلف اجرایی بودند و فعالیت با این عده‌ی نامتجانس خیلی مشکل

بود ولی سعی می‌کردم با حسن رفتار، همه را به راه بیاورم. با خود اندیشیدم که برای پیشرفت کار باید نیروی متخصص تربیت کنم. از وزارت معارف اجازه گرفتم و کلاس فوق‌دیپلم برای تربیت دیده‌بان هواشناس راه‌اندازی کردم.

* محتوای آموزشی این کلاس‌ها چه بود؟

در طول خدمتم در هواشناسی پنج دوره‌ی دیده‌بانی ترتیب دادم که پانصد نفر با تخصص‌های مختلف هواشناسی تربیت شدند. علاوه بر آن سه دوره کلاس پیش‌بینی هم برای تربیت کارشناس فنی عالی رتبه ایجاد کردم. در این دوره‌ها که دست‌کم دو سال طول می‌کشید تنها دارندگان لیسانس ریاضی و فیزیک پذیرفته می‌شدند. استادان این دوره‌ها هم بیش‌تر از میان استادان دانشگاه تهران و کارشناسان عالی‌رتبه‌ای بودند که سازمان جهانی هواشناسی در اختیارمان می‌گذاشت.

* از بخش‌های مختلف هواشناسی در دوران مدیریت خودتان صحبت کنید.

ما در مجموع سه نوع ایستگاه هواشناسی داشتیم که ساده‌ترینشان باران‌سنجی بود که مامور آن هر وقت بارانی می‌آمد اندازه می‌گرفت و به‌ما اطلاع می‌داد. ایستگاه نوع دوم اقلیم‌شناسی بود که در هر بیست و چهار ساعت رقم‌های مربوط به درجه‌گرما (حداقل و حداکثر) و باران (در صورت بارش) ثبت می‌شد. در فرودگاه هم ایستگاه سینوپتیک هم‌زمان داشتیم که ساعت به ساعت درجه‌ی گرما، میزان رطوبت، وضع باد و ابر و باران و فشار هوا با استفاده از وسایل فنی اندازه‌گیری می‌شد. علاوه بر همه‌ی این ایستگاه‌ها که به‌صورت شبکه‌ای در ایران گسترده بود، اداره‌ی پیش‌بینی هوا در فرودگاه مهرآباد تهران قرار داشت که کارمندان آن همگی دوره‌ی عالی هواشناسی را گذرانده و اغلب در کشورهای خارجی آموزش دیده بودند. همچنین در آن زمان روزی یک بار در دو شهر کرمان و تهران رادیو سوند (Radio Sound) به‌هوا می‌فرستادیم.

رادیو سوند دستگاه کوچکی بود حدود سیصد گرم که به‌بالونی بسته می‌شد و بالون گاهی تا ارتفاع ده کیلومتری بالا می‌رفت و هر چند دقیقه یک‌بار درجه‌ی گرما و فشار هوا را به‌زمین مخابره می‌کرد و حرکت بالون در فضا، جریان باد را مشخص می‌کرد. وسایلی که آن روزها در اختیار ما بود حالا به‌کلی از میان رفته و جای آن را دستگاه‌های مدرن گرفته است. امروزه انواع وسایل ارتباطی و بیش از همه ماهواره‌ها کمک زیادی به‌هواشناسی کرده‌اند. عکس‌های ماهواره‌ای به‌هواشناسی یاری می‌کنند تا مشخص شود تغییر هوا ساعت به‌ساعت چگونه است.

* از تثبیت این سازمان در بوروکراسی پیچیده‌ای ایرانی بگویید.

من در نخستین سال‌های ریاستم بر هواشناسی دو کار مهم انجام دادم: یکی قانون استقلال هواشناسی بود که از مجلس گذراندم و هواشناسی را از هواپیمایی جدا کردم و به‌عنوان تشکیلاتی مستقل در وزارت راه تثبیت کردم. چون از همان ابتدا اختلاف‌های اساسی با هواپیمایی داشتیم. چون پیش از آن بودجه‌ی ما به‌هواپیمایی داده می‌شد و رییس هواپیمایی هم بودجه‌ی مناسبی برای ما در نظر نمی‌گرفت و به‌همین سبب خیلی از تلاش‌های ما به‌هدر می‌رفت، اما زمانی که قانون استقلال هواشناسی در دهم اسفند ۱۳۳۷ به‌تصویب مجلس رسید بسیاری از دشواری‌های ما رفع شد. دومین اقدام مهمی که در دوران مسوولیتم انجام شد تصویب قانون پیوستن ایران به‌سازمان جهانی هواشناسی بود که بسیاری از کشورها عضو آن بودند. پیوستن ما به‌سازمان جهانی، این ویژگی را داشت که در زمینه‌های مختلف علمی و اجرایی برایمان کارشناس می‌فرستادند. سازمان جهانی هواشناسی، دنیا را به‌شش قسمت تقسیم کرده است که یک منطقه‌ی آن آسیا است؛ از مدیترانه تا ژاپن و از هندوستان تا سبیری. کشورهای هر منطقه، هر چند سال یک بار دور هم جمع می‌شوند و برنامه‌ی کاری‌شان را هماهنگ می‌کنند. من در دوران ریاست هواشناسی به‌علت تسلط بر زبان انگلیسی و جزییات امور هواشناسی، به‌مدت پنج سال رییس منطقه‌ی آسیا بودم و به‌همین سبب ناگزیر بودم به‌کشورهای آسیایی، مرتب سرکشی کنم و به‌نمایندگی از سازمان جهانی در هماهنگی برنامه‌های اجرایی کشورها نظارت داشته باشم.

* چه‌طور شد که به‌عنوان رییس منطقه‌ی آسیا برگزیده شدید؟

در آن سال‌ها، هواشناسی ایران به‌علت پیشرفت‌های جهش وارث بسیار مورد توجه واقع شده بود. برای نمونه یادم است در دی‌ماه ۱۳۳۹ یک روز صبح پروفیسور امبرژه و کالامبور - دو تن از مستشاران یونسکو - به‌اداره‌ی هواشناسی آمدند و پس از دو ساعت توقف و پرسیدن پرسش‌های مختلف به‌من تبریک گفتند. امبرژه که فکر می‌کرد من فرانسوی نمی‌دانم به‌زبان فرانسه به‌رفیقش گفت: که این تنها دستگاه دولتی در ایران است که او دیده و احساس کرده است که کار مفیدی انجام می‌دهد و می‌داند چه باید بکند. در پاسخ به‌پرسش شما بگویم که سازمان جهانی هواشناسی در مناطق شش‌گانه، کنفرانس‌های دوره‌ای تشکیل می‌دهد که در آن‌ها ضمن بررسی موضوع‌های هواشناسی، روسای مناطق شش‌گانه را هم مشخص می‌کنند. در سال ۱۳۴۳ کنفرانس منطقه‌ی آسیا در تهران برگزار شد و من به‌عنوان رییس منطقه‌ی آسیا برگزیده شدم. در آن سال‌ها ایران از نظر علمی و سیاسی بسیار پیشرفت کرده بود و موقعیت ژئوپلیتیکی

مناسبی در جهان داشت.

*** اشتباه در پیش‌بینی‌های قدیم هواشناسی هنوز هم زبانه‌زد خاص و عام است. دلیل این اشتباه‌ها چه بود؟**

در دهه‌ی ۱۳۳۰ دکتر حسین کشی‌افشار، بنیان‌گذار موسسه‌ی ژئوفیزیک، آسمان‌نمایی در تپه‌های امیرآباد ساخت. شاه و همراهانش برای گشایش موسسه به آن جا آمدند و چون هواشناسی در آن جا ایستگاه مجهزی داشت سری هم به ایستگاه ما زدند. شاه همچنان که از قسمت‌های مختلف هواشناسی بازدید می‌کرد خطاب به من گفت: «شما هستید که پیشگویی می‌کنید؟» گفتم «من نیستم قربان. دستگاه پیش‌بینی می‌کند.» او گفت «روز به روز بهتر می‌شود. اوایل که خیلی اشتباه در می‌آمد.» می‌بینید که باز تاب اشتباه پیش‌بینی‌ها تا کجا پیش رفته بود. در آن سال‌ها «خسرو شاهانی» استاد طنز در ستون ثابت خود در خواندنی‌ها (نمدمالی) مرتب درباره‌ی هواشناسی طنز می‌نوشت. هفته‌نامه‌ی «توفیق» هم گه‌گاه درباره‌ی هواشناسی و پیش‌بینی آن مطلب طنز می‌نوشت. به‌هر حال با وجود امکان‌های بسیار کم، من اطمینان داشتم که واحد پیش‌بینی به تدریج جای خود را باز می‌کند و همین‌طور هم شد و کم‌کم واحد پیش‌بینی هواشناسی به یکی از مهم‌ترین بخش‌های آن بدل شد.

پیش‌بینی هوا کار بسیار پیچیده‌ای است که ده‌ها عامل فنی و علمی در انجام آن دخالت دارند و اگر در یکی از این عامل‌های متعدد اشتباهی رخ دهد و اطلاع غلطی به هواشناسی فرستاده شود و یا در نقشه‌های بزرگ هواشناسی آگاهی‌های جوی متعادلی وجود نداشته باشند بدیهی است که نتیجه‌ی مطلوب به دست نمی‌آید و ممکن است پیش‌بینی صحیح از آب در نیاید. موردهای خطا چندان هم زیاد نیست ولی روزنامه‌ها و عامه‌ی مردم به‌طور معمول پیش‌بینی‌های درست را فراموش می‌کنند و اندک موارد اشتباه را زیر ذره‌بین می‌برند و اکنون هم که با کمک دستگاه‌های جدید، و پیش‌بینی‌ها درست است مردم توجه چندان ندارند.

*** چه شد که با وجود تلاش‌های بسیار و علاقه‌ی فراوان، هواشناسی را ترک کردید؟**

من در تمام دوران خدمت در هواشناسی عضو رسمی ولی نیمه‌وقت دانشگاه تهران بودم و هرگز از هواشناسی، حقوقی نمی‌گرفتم به جز فوق‌العاده‌ی مختصری که گه‌گاه به واسطه‌ی کمبود بودجه از آن هم چشم‌پوشی می‌کردم. بنابراین دیر یا زود باید هواشناسی را ترک می‌کردم. من از سال ۱۳۴۲ تا ۱۳۴۷ به موازات مسوولیت در هواشناسی، عهده‌دار معاونت پارلمانی وزارت راه بودم که البته سمتی بالاتر از ریاست هواشناسی بود ولی علاقه‌ی من به واسطه‌ی کارکرد علمی

آن بود که کاربردی و بهره‌برداری دانشگاهی هم داشت. از طرف دیگر به سبب ریاست هواشناسی آسیا و عضویت در شورای عالی هواشناسی جهانی ارتباط زیادی با خارج کشور داشتم. در سال‌های پایانی چهاردهمین دوره‌ی سه‌ساله‌ام در هواشناسی، معاون اولم که برای جایگزینی‌ام آماده‌اش می‌کردم قدری عجله کرد و به سبب ارتباط با مقام‌های بالای مملکتی وزیر راه را ناچار از انتخاب او به‌مدیرکل هواشناسی (آن هم تا حدودی با نظارت من) کرد و چون سازمان جهانی هواشناسی تنها یک نفر را به‌عنوان سرپرست هواشناسی هر کشور و نماینده‌ی آن کشور در سازمان جهانی می‌پذیرد، او به‌عنوان مدیرکل هواشناسی ایران باقی ماند و من برخلاف میلم تا مدتی در سمت معاونت پارلمانی وزارت راه فعالیت می‌کردم و در اثر دگرگونی‌های کشور ناشی از انقلاب آموزشی و به‌دنبال انتصاب پروفیسور «فضل‌اله» به ریاست دانشگاه تهران و بنا به دعوت ایشان، معاونت اداری و مالی دانشگاه را پذیرفتم و تا زمانی که پروفیسور رضا در مقام ریاست باقی بود من هم معاونت او را علاوه بر خدمت‌های آموزشی‌ام به‌عهده داشتم.

* اکنون رابطه‌ی شما با هواشناسی چگونه است؟

پس از مسوولیت من در دانشگاه، هواشناسی تا مدتی به‌وزارت جنگ منتقل شد و طولی نکشید که رییس هواشناسی - که معاون وزارت جنگ نیز بود - به‌علت سوء استفاده‌های مالی به دادگاه احضار شد. زمانی که از تدریس در دانشگاه تهران بازنشسته بودم صحبت از دعوت مجدد من به هواشناسی شد که نپذیرفتم، اما همچنان رابطه‌ی مختصری با سازمان جهانی هواشناسی داشتم و در جلسه‌های فنی و جهانی آن شرکت می‌کردم. بعد از انقلاب اسلامی در تنظیم برنامه‌های آموزشی سازمان هواشناسی طرف مشورت قرار گرفتم و پس از چند سال عضویت کمیته‌ی رهبری بازنگری در اطلس اقلیمی ایران را در این سازمان پذیرفتم و اکنون بیش از ده سال است که به‌واسطه‌ی عضویت در این کمیته، با سازمان هواشناسی کشور در ارتباط هستم و در نتیجه‌ی همین خدمت‌های مستمر و نظر مساعد ریاست فعلی آن سازمان و نیز خدمت پنجاه ساله‌ی من در زمینه‌ی هواشناسی بود که در سال ۲۰۰۱ میلادی جایزه‌ی سال هواشناسی جهان به‌من تعلق گرفت و من سومین غیر اروپایی و نخستین ایرانی بودم که در سازمان جهانی به این افتخار دست یافته‌ام.
